

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

139A

■ گروه مخاطب: تخصصی

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۱۷۱

بیست گفتار

در باره فلسفه و فقه علوم اجتماعی

عبدالحسین خسروپناه، زفولی



بوستانکتاب

پست کتاب در باره فلسفه و فقه علوم اجتماعی

نویسنده: عبدالحسین خسروپناه دزفولی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

• لیتوگرافی: چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ • شمارگان: ۵۰۰ • بها: ۱۰۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر منطبق به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائی)، ص پ ۳۷۱۸۵ / ۹۱۷، تلفن: ۰۷۴۲۱۵۵ - ۷، نمابر: ۰۳۷۷۴۱۰، تلفن پخش: ۳۷۷۴۴۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ ساعت) • پ با • داری ۱۷۰ ناشر

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۷، س: ۷۸، ۶۶۹۶۰

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، س: ۱۲، ۳۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، س: ۱۲، ۳۲۲۲۰۷۰

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان ارم، س: ۷۹، ۳۰۷۰

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۰۲۱۵۵-۱۰۰۰، ارسال و خواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدرانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار
- کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش • مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: محمود هدایی
- اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری • اداره چاپخانه: محمدمهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی

رئیس مؤسسه

محمدباقر انصاری

فهرست

۱۹	سخن ویراستار
۲۹	مقدمه مؤلف

بخش اول تحول علوم انسانی

۴۹	گفتار اول: آزاداندیشی و تحول علوم انسانی
۴۹	۱. آزاداندیشی
۵۳	۲. لوازم و اقتضات آزاداندیشی
۵۴	۳. موانع سه‌گانه آزاداندیشی
۵۶	۴. نسبت آزاداندیشی و تولید علم
۵۷	۵. بررسی ضرورت تولید علم
۵۹	۶. شرایط تحقق تولید علم
۶۱	۷. مصادیقی از نیازمندی کنونی ما به نظریه‌پردازی
۶۳	۸. فرآیند هفت‌مرحله‌ای اسلامی‌سازی علوم انسانی
۶۸	۹. ساحت‌های تحول در علوم انسانی
۷۰	۱۰. فرآیند راهبردی تحول در علوم انسانی

۱۱. ضرورت جریان‌شناسی فکری برای طلاب ۷۴
- گفتار دوم: بایسته‌های معرفتی و مدیریتی تحول علوم انسانی ۷۶
۱. عوامل عدم پویایی در علوم انسانی ۷۶
۲. نیاز جوامع به علوم انسانی ۷۸
۳. گام‌های تحول علوم انسانی ۷۸
- ۱-۳. حلم، انگیزه و دانش ۷۹
- ۲-۳. پارسایان تحول ۸۰
- ۳-۳. ایجاد زمینه تحول ۸۲
- ۴-۳. کاربرد نظریه پردازی ۸۳
۴. حمایت از تحول ۸۴
۵. مراحل تحول علوم انسانی ۸۷
۶. روش‌شناسی حکمی - اجتهادی ۸۹
- ۱-۶. روش اجتهادی ۹۱
۷. حوزه و تحول علوم انسانی ۹۵
۸. وضعیت کنونی حرکت علمی کشور ۹۷
- گفتار سوم: تحول علوم انسانی از دیدگاه حوزه و دانشگاه ۹۹
۱. ریشه‌های عدم شکل‌گیری تحول در علوم انسانی ۹۹
۲. نکته‌های مقدماتی درباره نقش حوزه و دانشگاه در تحول علوم انسانی ۱۰۵
- ۱-۲. سه ساحت علوم اجتماعی و روش کسب آن‌ها ۱۰۸
- ۱-۲-۱. توصیف انسان مطلوب ۱۱۰
- ۲-۱-۲. توصیف و ارزیابی انسان محقق ۱۱۲
- ۲-۱-۳. تغییر انسان محقق به انسان مطلوب ۱۱۶
۳. رابطه طولی حوزه و دانشگاه، ایدئولوژی‌زدگی و وحی در محک تجربه ۱۱۹

۱۲۵	۴. ارتباط علم و ایدئولوژی
۱۲۹	۵. پرسش و پاسخ
۱۲۹	۱-۵. پرسش‌ها
۱۳۳	۲-۵. پاسخ‌ها

بخش دوم

عامل حوزہ و دانشگاه در تحول علوم انسانی

۱۴۱	گفتار چهارم: نقش حوزه و دانشگاه در تحول علوم انسانی
۱۴۱	۱. سه گرایش در زمینه تولید علم انسانی اسلامی
۱۴۲	مخالفان علوم انسانی اسلامی
۱۴۳	موافقان علوم انسانی اسلامی
۱۴۴	نقد و تکمیل دو گرایش پیشین
۱۴۴	۲. تبیین گرایش سوم
۱۴۵	۱-۲. تمایز علوم مبنایی، کرداری و کاربردی
۱۴۸	۳. سه فعالیت علوم اجتماعی و علوم و نهادهای مرتبط با آن‌ها
۱۴۹	۱-۳. علوم و نهاد مورد نیاز در توصیف انسان مطلوب
۱۵۰	۲-۳. علوم و نهاد مورد نیاز در توصیف انسان محقق
۱۵۱	۳-۳. علوم و نهاد مورد نیاز در تغییر انسان محقق به انسان مطلوب
۱۵۵	۴. نقش حوزویان و دانشگاهیان در تولید علوم انسانی اسلامی
۱۵۶	۵. چهار نکته پایانی
۱۵۸	۶. پرسش و پاسخ
۱۶۱	گفتار پنجم: تعامل علم و دین، بستر ساز تعامل حوزه و دانشگاه
۱۶۲	۱. نقش اسلام در علوم طبیعی

۲. نقش اسلام در علوم مهندسی ۱۶۵
۳. تعامل حوزه و دانشگاه در علوم انسانی ۱۶۷
- ۱-۳. نقش اسلام در جهان‌بینی ۱۷۰
- ۲-۳. نقش اسلام در جهان‌سازی ۱۷۱
۴. خلاصه بحث ۱۷۵

بخش سوم اسلامی‌سازی علوم

- گفتار ششم: علم دینی و اسلامی‌سازی علوم انسانی ۱۷۹
۱. درآمد ۱۸۰
- ۱-۱. آسیب‌شناسی مسئله علم دینی ۱۸۱
۲. مقدمات مسئله الگوی روش‌شناختی ۱۸۴
۳. پیشینه مسئله علم دینی ۱۸۷
- ۱-۳. چرایی طرح علم دینی در دهان جدید ۱۸۹
- ۲-۳. پیش‌شرط‌های تحقق علم دینی ۱۹۱
۴. الگوی حکمی - اجتهادی در علوم اجتماعی ۱۹۶
۵. نکته‌هایی درباره الگوی حکمی - اجتهادی ۱۹۹
۶. مباحث پایانی ۲۰۲
- گفتار هفتم: دین، فلسفه و علوم طبیعی ۲۰۵
۱. تاریخچه‌ای از ارتباط جهان‌بینی با علم دینی ۲۰۶
۲. مباحث مقدماتی دین و علوم طبیعی ۲۱۱
۳. تبیینی دقیق‌تر از علم طبیعی دینی ۲۱۹
- ۱-۳. شبهات الحادی در علوم طبیعی امروز ۲۱۹

۲۲۱	۲-۳. عدم تطبیق قرآن با علم روز
۲۲۳	۳-۳. رابطه علم و دین
۲۲۴	۴-۳. تعریف علم طبیعی دینی
۲۲۵	۴. تبیین «علم طبیعی با رویکرد دینی» به جای علم طبیعی دینی
۲۲۵	۴-۱. ضرورت بحث بیشتر درباره مبانی فلسفی علوم طبیعی دینی
۲۲۶	۴-۲. ارتباط متافیزیک علم با علم
۲۲۸	۴-۳. تفاوت گزاره‌های علوم انسانی دینی با علوم طبیعی دینی
۲۲۹	۴-۴. رابطه علم طبیعی و دین اسلام
۲۳۰	۴-۵. تأثیر گذاری علم دین بر یکدیگر
۲۳۳	۴-۶. تعبیر «علم طبیعی با رویکرد دینی»، دقیق‌تر از «علم طبیعی دینی»
۲۳۶	۵. پرسش و پاسخ
۲۳۷	۵-۱. عدم بیان گزاره‌های طبیعی در دین، مصادق ظلم نیست
۲۳۸	۵-۲. سنخ گزاره‌های طبیعت‌شناختی قرآن با سنخ گزاره‌های علمی فرق دارد
۲۴۰	۵-۳. رابطه علم با تأثیرگذاری مبانی علم بر آن
۲۴۷	گفتار هشتم: نقش علم و فلسفه در طبیعت‌شناسی تمدن سازی
۲۴۸	۱. ارتباط فلسفه با حیات
۲۴۹	۲. ارتباط فلسفه با علوم
۲۵۱	۳. نگاه فلسفی - تمدنی به تاریخ علم در جهان اسلام
۲۵۲	۳-۱. مروری اجمالی بر ادوار تاریخ تمدن اسلامی
۲۵۵	۳-۲. پرسش فلسفی در باب رشد یا افول تمدن
۲۵۸	۴. طرح پرسش‌هایی نو درباره فلسفه اجتماع
۲۵۹	۴-۱. پرسش‌های هستی‌شناختی
۲۶۱	۴-۲. پرسش‌های معرفت‌شناختی

- ۳-۴. پرسش‌های روش‌شناختی ۲۶۳
- ۴-۴. پرسش‌های ساحت‌شناختی ۲۶۵
۵. ضرورت پاسخ‌گویی به پرسش‌های فلسفی جامعه ۲۶۶
۶. تمدن‌سازی و سبک زندگی اسلامی ۲۶۷
- ۱-۶. تعریف تمدن اسلامی ۲۶۷
- ۲-۶. ارتباط سبک زندگی با تمدن ۲۶۸
- ۳-۶. نقش حکومت‌ها در تمدن‌سازی ۲۷۰
- ۴-۶. دلایل رشد تمدن غرب ۲۷۲
- ۵-۶. شرایط و موانع تمدن‌سازی ۲۷۵

بخش چهارم

کار بردهای از حکمت صدرایی

- گفتار نهم: فلسفه نفس صدرایی و نظریه تکامل ۲۸۱
۱. مباحث مقدماتی ۲۸۲
۲. مباحث نفس‌شناسی فلسفی ۲۸۳
- ۱-۲. تعریف نفس ۲۸۳
- ۲-۲. انواع نفس ۲۸۴
- ۳-۲. کثرت و وحدت نفس انسانی ۲۸۵
- ۴-۲. قوای نفس ۲۸۷
- ۵-۲. کثرت و وحدت نوعی نفوس انسانی ۲۹۱
- ۶-۲. مادی یا مجرد بودن نفس ۲۹۲
- ۷-۲. تغییر و ثبات نفس ۲۹۴
- ۸-۲. حدوث و قدم نفس ۲۹۶

فهرست مطالب

۲-۹	جاودانگی و بقای نفس	۲۹۸
۲-۱۰	سعادت نفس	۲۹۹
۳-۳۰	نکته‌هایی برای هم‌اندیشی فیلسوفان و زیست‌شناسان	۳۰۰
۴-۳۰	فلسفه نفس صدرایی و نظریه تکامل	۳۰۳
۴-۱	مباحث مقدماتی	۳۰۳
۴-۲	مبانی فلسفی علم النفس حکمت متعالیه	۳۰۹
۴-۳	فلسفه‌شناسی حکمت متعالیه	۳۱۱
۴-۱	علم النفس با صدرا و نظریه تکامل	۳۱۵
۴-۵	کاربرد مبانی حکمت متعالیه در علوم زیستی	۳۱۹
۴-۵-۱	حالات فلسفی و الهیاتی نظریه تکامل	۳۲۲
۴-۶	پرسش و پاسخ	۳۲۷
گفتار دهم: کاربرد حکمت صدرایی در ارتباطات		
۱-	رویکردهای مختلف در مورد ارتباطات	۳۳۷
۲-	کاربرد علوم صدرایی در حوزه ارتباطات	۳۳۹
۲-۱	تأثیر مبانی هستی‌شناسی اسلامی بر ارتباطات	۳۴۱
۲-۲	تأثیر مبانی انسان‌شناسی اسلامی بر ارتباطات	۳۴۴
۲-۳	تأثیر مبانی معرفت‌شناسی اسلامی بر ارتباطات	۳۴۶
۲-۴	تأثیر مبانی زبان‌شناسی اسلامی بر ارتباطات	۳۴۷
۲-۵	تأثیر مبانی ارزش‌شناسی اسلامی بر ارتباطات	۳۴۸
۲-۶	تأثیر مبانی دین‌شناسی اسلامی بر ارتباطات	۳۴۹
۳-	خلاصه مباحث	۳۴۹
۴-	ارزیابی فضای مجازی با رویکرد حکمت متعالیه از منظر هویت انسانی	۳۵۰
گفتار یازدهم: فلسفه در ایران معاصر و فلسفه فلسفه از دیدگاه امام خمینی		
		۳۵۷

۱. امتیازها و آسیب‌های فلسفه در ایران ۳۵۷
- ۱-۱. وجود‌گرایش‌های مختلف فلسفی در ایران ۳۵۹
- ۲-۱. سه آسیب مهم در وضعیت فلسفه ما ۳۶۰
۲. فلسفه فلسفه از نگاه امام خمینی ۳۶۵
- ۱-۲. تعریف و موضوع فلسفه ۳۶۷
- ۲-۲. روش و رویکردهای فلسفه ۳۶۸
- ۳-۲. کارکردهای فلسفه ۳۶۹
- ۴-۲. نسبت حکمت با برخی مفاهیم ۳۷۱
- ۱-۲. نسبت حکمت با فطرت ۳۷۱
- ۲-۴. نسبت حکمت با طبیعات ۳۷۲
- ۲-۴. نسبت حکمت با اصول فقه ۳۷۳
- ۲-۴. نسبت حکمت با سیاست ۳۷۴

بخش پنجم

روش‌شناسی

- گفتار دوازدهم: روش‌شناسی غرب‌شناسی فلسفی ۳۷۹
۱. مقدمات غرب‌شناسی فلسفی ۳۷۹
۲. روش‌های فهم غرب فلسفی ۳۸۱
- ۱-۲. روش تاریخی ۳۸۲
- ۲-۲. روش پارادایمی ۳۸۳
- ۳-۲. روش کارکردی یا کارکردگرایی ۳۸۴
- ۴-۲. روش تبیینی ۳۸۵
- ۵-۲. روش تطبیقی ۳۸۶

فهرست مطالب

۳۸۶	۶-۲. روش تفسیری و روش پدیدارشناسی
۳۸۸	۷-۲. روش منظومه‌ای
۳۸۸	۳. محور غرب فلسفی
۳۸۹	۳-۱. اومانیزم، سویتکیویسم و سکولاریسم
۳۹۰	۳-۲. روش منظومه‌ای و محورهای غرب فلسفی
۳۹۲	۴. پرسش و پاسخ
۳۹۹	تفترار میزدهم: روش‌شناسی فقه الاجتماع و فقه نظام اجتماعی
۴۰۰	۱. مبانی الگوی حکمی - اجتهادی
۴۰۰	۲. ایدئولوژی و مکتب اجتماعی
۴۰۱	۳. اضلاع علوم اجتماعی
۴۰۱	۳-۱. ساختارسازی و ای بخت
۴۰۶	۴. روش حکمی - اجتهادی
۴۰۶	۴-۱. روش استدلالی - عقلی
۴۰۶	۴-۲. روش استدلال تجربی
۴۰۸	۴-۳. روش اجتهادی قسم اول: استنباط احکام
۴۱۰	۴-۴. روش اجتهادی قسم دوم: موضوع‌شناسی
۴۱۱	۴-۵. روش اجتهادی قسم سوم: استنتاج انسان محقق براساس روش‌های مکتبی
۴۱۲	۴-۶. اجتهاد قسم چهارم: ساختارسازی
۴۱۹	۵. فقه الاجتماع
۴۲۰	۵-۱. چپستی فقه الاجتماع
۴۲۱	۵-۲. گستره فقه الاجتماع
۴۲۴	۶. روش‌شناسی فقه الاجتماع
۴۲۸	۶-۱. اجتهاد قسم اول

- ۴۲۹..... ۲-۶. اجتهاد قسم دوم
- ۴۳۲..... ۳-۶. اجتهاد قسم سوم
- ۴۳۶..... ۴-۶. اجتهاد قسم چهارم
- ۴۳۸..... ۷. فرآیند روش برگزیده
- ۴۴۱..... گفتار چهاردهم: نقش رئالیسم معرفتی در علوم انسانی
- ۴۴۱..... ۱. تبیین واژگان کلیدی
- ۴۴۳..... ۲. حسی رئالیسم شبکه‌ای
- ۴۴۵..... ۱-۲. حسی صدق
- ۴۴۹..... ۲-۲. معیار صدق
- ۴۵۵..... ۳. علوم مدون
- ۴۵۶..... ۴. چند نکته در باب رئالیسم شبکه‌ای
- ۴۶۰..... ۵. کاربردهای رئالیسم شبکه‌ای
- ۴۶۰..... ۱-۵. کاربرد رئالیسم شبکه‌ای از نظر روش‌شناسی علوم اجتماعی
- ۴۶۴..... ۲-۵. کاربرد رئالیسم شبکه‌ای در حوزه مبانی
- ۴۶۶..... ۳-۵. کاربرد رئالیسم شبکه‌ای از نظر کتب اجتماعی
- ۴۶۸..... ۴-۵. کاربرد رئالیسم شبکه‌ای از نظر مسائل اجتماعی

بخش ششم

تبیین و تحلیل الگوی حکمی - اجتهادی

- ۴۷۷..... گفتار پانزدهم: تبیین الگوی حکمی - اجتهادی علوم اجتماعی
- ۴۷۷..... ۱. پیش‌فرض‌های سه‌گانه الگوی حکمی - اجتهادی
- ۴۸۱..... ۲. ماهیت علم و نظریه
- ۴۸۳..... ۳. فرآیند تحول علوم انسانی

۴۸۵	۴. عقلانیت دخیل در شکل‌گیری علم دینی
۴۸۶	۵. نسبت علم و فلسفه
۴۸۹	۶. سه ساحت در علوم اجتماعی
۴۸۹	۶-۱. توصیف انسان مطلوب
۴۹۲	۶-۲. توصیف و ارزیابی انسان محقق
۴۹۴	۶-۳. تغییر انسان محقق به انسان مطلوب
۴۹۵	۷. روش‌های انجام‌دادن فعالیت‌های سه‌گانه مذکور
۴۹۹	۸. مبانی الگوی حکمی - اجتهادی
۴۹۹	۸-۱. مبانی هستی‌شناختی
۵۰۱	۸-۲. مبانی انسان‌شناسی
۵۰۴	۸-۳. مبانی معرفت‌شناختی
۵۰۶	۸-۴. مبانی ارزش‌شناختی
۵۰۷	۹. روش‌شناسی و الگوی حکمی - اجتهادی
۵۱۲	۱۰. ماهیت فهم دینی متون دینی
۵۱۳	۱۱. به‌کارگیری روش حکمی - اجتهادی در ساحت‌های علوم اجتماعی
۵۲۱	۱۲. نکته‌های تکمیلی
۵۲۱	۱۲-۱. چگونگی نسبت پارادایم علم دینی با پارادایم علم کلامی
۵۲۳	۱۲-۲. ساختارسازی، نهادسازی و تقنین
۵۲۵	۱۲-۳. دلیل استفاده از واژه «حکمی» به جای «فلسفی»
۵۲۵	۱۲-۴. ملاک اسلامی بودن علم
۵۳۲	گفتار شانزدهم: نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۱)
۵۳۲	۱. نقدهایی به روش‌شناسی الگوی حکمی - اجتهادی
۵۳۴	۱-۱. نقد روش‌شناسی حکمی - اجتهادی

- ۵۴۱..... ۲. پاسخ به نقدها
- ۵۴۴..... ۲-۱. روش‌شناسی
- ۵۵۵..... گفتار هفدهم: نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۲)
- ۵۵۵..... ۱. نقدهایی بر پیش‌فرض‌های الگوی حکمی - اجتهادی
- ۵۵۷..... ۱-۱. نکته‌هایی درباره دینی بودن روش استدلالی
- ۵۵۹..... ۲-۱. نقد دینی بودن روش اجتهادی
- ۵۶۲..... ۲. توضیح پیش‌فرض‌هایی از الگوی حکمی - اجتهادی
- ۵۶۵..... ۲-۱. توضیحاتی درباره روش‌های استدلالی و اجتهادی
- ۵۷۰..... گفتار هجدهم: نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۳)
- ۵۷۰..... ۱. نظام قدرت و نحوه مدیریت علوم انسانی
- ۵۷۲..... ۲. حکایت‌گری مفاهیم از واقعیت
- ۵۷۴..... ۳. ملاک دینی بودن روش‌شناسی حکمی - اجتهادی
- ۵۸۰..... ۴. مولد بودن مبنای گرای
- ۵۸۱..... ۵. نظریه دینی و مشکل کاربرد عملی
- ۵۸۳..... ۶. نسبت فلسفه و علم، پیشین یا پسین
- ۵۸۵..... ۷. ذات‌گرایی و انسان مطلوب
- ۵۸۷..... ۸. روش اجتهاد قسم سوم
- ۵۸۷..... ۹. حفظ ثوابت شرعی
- ۵۹۰..... ۱۰. تدوین اصول و الگوی علم دینی و پذیرش نظریه‌ها
- ۵۹۶..... ۱۱. استانداردهای دینی در پژوهش‌های رایج علمی
- ۵۹۸..... ۱۲. اجتهاد قسم سوم و توصیف شرطیه از انسان نوعی
- ۵۹۹..... ۱۳. قید «حکمی» و مبانی حکمت
- ۶۰۰..... ۱۴. ارتباط مبانی با تولید علم

۶۰۴	۱۵. ارتباط فهم با نصوص دینی
۶۱۲	۱۶. معنای عقل و عقلانیت
۶۲۱	۱۷. الگوی حکمی - اجتهادی و برخی از منازعات روز
۶۲۵	گفتار نهم: نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۴)
۶۲۵	۱. تکثر الگوهای اسلامی سازی علوم
۶۲۸	۲. ارتباط انسان مطلوب با انسان مؤمن
۶۲۹	۳. شناخت رفتار انسان مطلوب در حوزه های مختلف
۶۳۲	۴. کاربرد فلسفه و نقش هستی شناسی
۶۳۳	۵. مبانی انسان شناسی
۶۳۵	۶. تاریخی نگری
۶۳۶	۷. نقش علم حضوری در علوم اجتماعی
۶۳۸	۸. هرمنوتیک و تکثر گرایی
۶۴۱	۹. انسان شناسی
۶۴۳	۱۰. زمینه های فرهنگی و اجتماعی اسلامی سازی علوم
۶۴۶	۱۱. تغییر انسان و رابطه ارزش و واقعیت
۶۴۷	۱۲. معیار بداهت منسجم کارآمد و انسجام گرایی
۶۵۸	۱۳. تعریف علوم و ساختار علوم اجتماعی
۶۶۱	۱۴. فلسفه علوم اجتماعی و مراحل کاربرد روش شناسی
۶۶۵	۱۵. شناخت انسان محقق
۶۶۸	۱۶. ملاک اسلامی بودن علم
۶۷۰	۱۷. کارآمدی و مقاصد شریعت
۶۷۳	۱۸. ارتباط ساختار با بایدها و نبایدها
۶۷۵	۱۹. کارآمدی و رابطه کار گزار و ساختار

- گفتار بیستم: نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۵) ۶۸۲
۱. طبقه‌بندی علوم انسانی ۶۸۲
۲. ساختار علوم رفتاری - اجتماعی ۶۸۴
۳. مبانی فلسفی و مکتبی علوم رفتاری و اجتماعی ۶۸۴
۴. مکتب، علم، فلسفه ۶۸۵
۵. روش در فلسفه علوم انسانی ۶۸۷
۶. مبانی روش‌شناسی علوم رفتاری - اجتماعی ۶۸۹
- ۶-۱. رئالیسم پنجره‌ای و صدق گزاره‌ها در علوم رفتاری - اجتماعی ۶۸۹
- ۶-۱-۱. روش و پاسخ در باب رئالیسم شبکه‌ای و نقش ذهن در شناخت ۶۹۰
- ۶-۲. روش روحانی و زیبایی براساس «بدهات منسجم کارآمد» ۷۰۵
- ۶-۳. روش اجتهادی ۷۲۰
۷. روش حکمی - اجتهادی علوم رفتاری - اجتماعی ۷۲۳
- کتاب‌نامه ۷۲۷

سخن ویراستار

حرکت به سری وحدت بسیار دل‌پسند است، زیرا مطابق خواسته فطرت توحیدی انسان است. این حرکت را می‌توان در هر حرفه‌ای، متناسب با آن حرفه و از جنبه‌های مختلف ظاهری و باطنی مشاهده کرد. نظریه‌پردازی و تولید علم توسط دانشمندان و متفکران نیز از چنین حرکتی حکایت دارد. دانشمندان با دغدغه‌ای واحد به مطالبه مباحث فراوان می‌پردازد و با دسته‌بندی مطالب به دست‌آمده و تفکر در مورد آن‌ها فرمولی را ارائه می‌دهد که هم وحدتِ اموری به ظاهر متکثر را نشان می‌دهد، و نیز می‌تواند امور متکثری را وحدت بخشد.

یکی از شخصیت‌هایی که در زمان حاضر در زمینه علوم اجتماعی نظریه‌پردازی کرده و توانسته است امور و روش‌های متعددی را برای حل مسائل خاص در قالب الگویی واحد ارائه دهد، حجة الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه است. وی در همین خصوص، کتاب‌هایی منتشر کرده و علاوه بر آن‌ها در مراکز علمی مختلف، نظریه خود را در معرض نقد صاحب‌نظران، استادان و دانشجویان قرار داده و دیدگاه‌ها، دغدغه‌ها و توصیه‌های خویش را نیز با آنان در میان گذاشته است.

کوشش بر آن بوده است تا در این جا مجموعه ای از گفتارهای استاد خسروپناه را برای استفاده بهتر علاقه مندان به علوم انسانی و اجتماعی در قالب مجموعه ای واحد در این کتاب عرضه نماییم. مطالب این مجموعه، در بردارنده مباحثی است که در ۲۷ سخنرانی، پنج مناظره و چهار مصاحبه از سوی استاد خسروپناه در مراکز علمی مختلف مطرح شده است و مجموعه ای از دغدغه ها و راهکارهای اساسی ایشان را در زمینه تحول علوم انسانی، تعامل حوزه و دانشگاه، اسلامی سازی علوم، کاربردهای حکمت صدرایی، روش شناسی، تبیین الگوی حکمی - اجتماعی و مطالب مرتبط با این موضوعات شامل می شود. ویرایش متن های پیاده شده گفتارها و تبدیل آن ها به نوشتاری روان، تیرگذاری، ارجاع دهی برخی مطالب به منابع، فهرست نویسی، نمایه سازی و نیز صفحه آرایی، کارهای صورت گرفته است تا مباحث فوق در قالب بیست گفتار در اختیار شما خوانندگان محترم قرار گیرد.

به عبارت دیگر، از آن جا که کتاب را به درستی، غذای معنوی انسان نام می برند، کار خود را به شخص سخنرانی تشبیه می کنم که مجموعه ای از غذاهای آماده را در اختیارش قرار داده اند و او آن ها را در ظرف هایی می آراید و با چینشی خاص برای بهره بهتر دیگران در سفره ای واحد قرار می دهد.

موارد ذیل را می توان مهم ترین امتیازهای این اثر برشمرد:

۱. آشنایی با رویکرد استاد خسروپناه درباره مسائل مختلف علوم انسانی؛

۲. وجود پرسش و پاسخ های فراوانی که در جلسه ها مطرح شده است

(این پرسش و پاسخ ها به فهم دقیق تر مطالب و نیز گشایش زوایای مختلف آن ها برای انسان کمک می کنند)؛

۳. آشنایی با نقدها و دیدگاه‌های استادان برجسته‌ای مانند دکتر مهدی گلشنی، دکتر خسرو باقری و دکتر محمد کاظم فرقانی؛

۴. دفاع حجة الاسلام والمسلمین خسرو پناه از دیدگاه‌ها و نظریه خود در برابر پرسش‌های مطرح شده و نقدهای صورت گرفته از سوی استادان و دانشجویان مراکز علمی گوناگون.

استاد خسرو پناه که مراحل مختلف این کار را زیر نظر داشتند و نکته‌های لازم را یادآور می‌شدند، مقدمه‌ای بر مجموعه حاضر نگاشته و در آن، مطالب مهم را در خصوص این مجموعه و به ویژه درباره نظریه ابتکاری خود با عنوان «الگوی حکمی اجتهادی» بازگو کرده‌اند. در این جا به سه نکته جالب در مقدمه استاد اشاره می‌کنم: اول این که از سیر پژوهشی و نگارش بعضی از کتاب‌های خویش و نیز نحوه دست‌یابی به الگوی تولیدی خود، گزارش مختصری ارائه داده‌اند. دوم این که تعریف‌ها و فرآیند الگوی حکمی - اجتهادی و نیز مبانی، اصول، ساختار و روش علوم اجتماعی اسلامی را در الگوی پیشنهادی خود در قالب پنج نمودار نشان داده‌اند و سوم این که گزارشی کوتاه از فرآیند علم دینی در مقدمه ایشان مشاهده می‌شود.

از مجموعه گفتارهای فوق، دو منظره و هفت سخنرانی که با پرسش و پاسخ همراه بوده است، در مورد تبیین و تحلیل الگوی حکمی - اجتهادی علوم اجتماعی بود. از آن جا که تبیین آن الگو توسط استاد خسرو پناه در ابتدای آن جلسه‌ها، مباحث مشترک آن‌ها را تشکیل می‌داد، برای جلوگیری از تکرار مطالب، مباحث مشترک را در قالب یک گفتار با عنوان «تبیین الگوی حکمی - اجتهادی علوم اجتماعی» قرار دادیم و در گفتارهای بعدی، بخش مربوط به آن مباحث را حذف کردیم. بر این اساس، در دو گفتار شانزدهم و

هفدهم که به صورت مناظره برگزار شده، مباحث با نقد مناظره‌کنندگان محترم آغاز گشته و دو گفتار بعدی نیز فقط در بردارنده پرسش‌های حاضران و پاسخ‌های استاد در همایش‌های مختلفی است که در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پژوهشگاه قرآن و حدیث و معاونت پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شده است. در گفتار آخر (بیستم) به دلیل این که پرسش‌های حاضران در حین ارائه مطالب استاد خسرو پناه مطرح شده است و ایشان نیز همان جا پاسخ داده‌اند، شکل گفتار را حفظ کرده و آن را جداگانه آورده‌ایم.

همان‌طور که اشاره شد در این کتاب مباحث ۳۶ مصاحبه، مناظره و سخنرانی استاد خسرو پناه در قالب بیست گفتار ارائه شده است. بیست گفتار را ذیل شش موضوع قرار داده‌ایم که عبارت‌اند از:

۱. تحول علوم انسانی؛
 ۲. تعامل حوزه و دانشگاه در تحول علوم انسانی؛
 ۳. اسلامی‌سازی علوم؛
 ۴. کاربردهایی از حکمت صدرایی؛
 ۵. روش‌شناسی؛
 ۶. تبیین و تحلیل الگوی حکمی. اجتهادی علوم اجتماعی
- دسته‌بندی و توضیحات مختصر هر یک از گفتارها به شکل زیر است:

بخش اول: تحول علوم انسانی

۱. آزاداندیشی و تحول علوم انسانی: مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۶ در مطبوعات در باب آزاداندیشی و ضرورت و شرایط تحقق تولید علم.

۲. بایسته‌های معرفتی و مدیریتی تحول علوم انسانی: مصاحبه با ماه‌نامه «کیهان فرهنگی» در بهمن و اسفند سال ۱۳۹۵.
۳. تحول علوم انسانی از دیدگاه حوزه و دانشگاه: مناظره با دکتر خسرو باقری در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در بیست و نهم آذرماه سال ۱۳۹۴.

بخش دوم: تعامل حوزه و دانشگاه در تحول علوم انسانی

۴. نقش حوزه و دانشگاه در تحول علوم انسانی: سخنرانی در جمع دانشجویانی از سراسر کشور که در اردوی دانشجویی تحول علوم انسانی سال ۱۳۹۶ شرکت کرده بودند.
۵. تعامل علم و دین، بستر ساز تعامل حوزه و دانشگاه: این گفتار برپایه دو سخنرانی است:
۱. سخنرانی با عنوان «تعامل علم و دین، بستر ساز تعامل حوزه و دانشگاه» در روز وحدت حوزه و دانشگاه سال ۱۳۹۶ در دانشگاه شهید رجایی؛
۲. سخنرانی با عنوان «اهل بیت (ع) و علوم انسانی» در دانشگاه اهل بیت (ع) در پاییز سال ۱۳۹۶.

بخش سوم: اسلامی سازی علوم انسانی

۶. علم دینی و اسلامی سازی علوم انسانی: مناظره با دکتر مهدی گلشنی در دانشگاه معارف اسلامی درباره «علم دینی» در بهار سال ۱۳۹۵.
۷. دین، فلسفه و علوم طبیعی: مناظره با دکتر مهدی گلشنی در دانشگاه معارف اسلامی با موضوع «علم طبیعی دینی، امکان یا امتناع» در زمستان ۱۳۹۶.

۸. نقش علم و فلسفه در طبیعت‌شناسی و تمدن‌سازی: این گفتار، حاصل چهار سخنرانی و یک مصاحبه است. سخنرانی‌ها در روز جهانی فلسفه و نشست‌هایی با عناوین «فلسفه و شناخت طبیعت»، «فلسفه و اجتماع»، «نگاهی به تاریخ علم در ایران» و «ارتباط فلسفه و علم» می‌باشد که در سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شده است. مصاحبه نیز با نشریه «خردنامه همشهری» با موضوع «مسئولیت حاکم‌بودن» و نگاهی به نقش و کارکرد سبک زندگی در تمدن‌سازی» در بهار سال ۱۳۹۱ است.

بخش چهارم: کاربردهای از حکمت صدرایی

۹. فلسفه نفس صدرایی و نظریه تکامل: این گفتار براساس سه سخنرانی است:

۱. سخنرانی در مدرسه تابستانی «نظریه تکامل» مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سال ۱۳۹۳؛

۲. سخنرانی با موضوع «کاربرد مبانی حکمت متعالیه در علوم زیستی» در دانشگاه امام حسین (ع) در تابستان سال ۱۳۹۵؛

۳. سخنرانی در سلسله نشست‌های «فلسفه و علوم زیستی» با حضور جمعی از استادان زیست‌شناسی در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در مهرماه سال ۱۳۹۲.

۱۰. کاربرد حکمت صدرایی در ارتباطات: این گفتار حاصل سخنرانی در سه نشست علمی است: سخنرانی اول با عنوان «ارزیابی فضای مجازی با رویکرد حکمت متعالیه» در بیست و یکمین همایش ملی حکیم ملاصدرا تحت عنوان «فلسفه در مواجهه با فضای مجازی» در سال ۱۳۹۶ است. دو

نشست دیگر، گردهمایی «اسفار مجازی، ارتباطات نوین» نام داشت که اولین گردهمایی آن در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ به مناسبت روز جهانی ارتباطات با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در دانشگاه صدا و سیما و دومین گردهمایی در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در شهريور سال ۱۳۹۴ برپا شد.

۱۱. فلسفه در ایران معاصر و فلسفه فلسفه از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام): این گفتار تئوریک بر اساس «سخنرانی در نشست «وضعیت فلسفه در ایران معاصر» و نشست «نقش امام خمینی در فلسفه معاصر» در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سال ۱۳۹۱ تنظیم شده است.

بخش پنجم: روش شناسی

۱۲. روش شناسی غرب شناسی فلسفی: سخنرانی در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در زمستان سال ۱۳۹۵.

۱۳. روش شناسی فقه الاجتماع و فقه نظام اجتماعی: دو جلسه بحث، ناظر به روش شناسی در دوره درسی «فلسفه فقه» در مرکز آموزش تخصصی فقه سیاسی ولی امر در تابستان سال ۱۳۹۴.

۱۴. نقش رئالیسم معرفتی در علوم انسانی: سخنرانی در نشست علمی «رئالیسم معرفتی و علوم انسانی» در بهمن سال ۱۳۹۳ در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

بخش ششم: تبیین و تحلیل الگوی حکمی - اجتهادی علوم اجتماعی

۱۵. تبیین الگوی حکمی - اجتهادی علوم اجتماعی: این گفتار حاصل مباحث مطرح شده توسط استاد خسرو پناه در ابتدای مناظره ها و جلسه هایی

است که با عنوان «تبیین و تحلیل الگوی حکمی - اجتهادی» در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ برگزار شده است. نام اشخاص مناظره کننده و مکان و زمان برگزاری جلسه ها در گفتارهای بعدی ذکر می شود.

۱۶. نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۱): مناظره با دکتر خسرو باقری در دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴. همان گونه که بیان شد، مباحث ابتدایی استاد خسرو پناه، یعنی تبیین الگوی وی، در این گفتار و سه گفتار بعدی حذف شده است.

۱۷. نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۲): مناظره با دکتر محمد کاظم فرقانی در دانشگاه امام صادق علیه السلام در بهار سال ۱۳۹۴.

۱۸. نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۳): این گفتار در بردارنده پرسش های اعضای هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و هم چنین پرسش های مطرح شده در پژوهشگاه قرآن و حدیث و نیز معاونت پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در نقد الگوی حکمی - اجتهادی و پاسخ های استاد خسرو پناه به آن هاست که طی جلسه هایی در خصوص الگوی حکمی - اجتهادی در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ مطرح شده اند.

۱۹. نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۴): این گفتار حاوی پرسش های اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام در نقد الگوی حکمی - اجتهادی و پاسخ های استاد خسرو پناه است که طی سه جلسه در پاییز ۱۳۹۴ مطرح شده است.

۲۰. نقد و بررسی الگوی حکمی - اجتهادی (۵): این گفتار حاصل دو جلسه گفت و گو درباره روش حکمی - اجتهادی است که در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران (شعبه قم) در ضمن کلاس دکترا و در ترم دوم سال تحصیلی ۹۵-۹۶ برگزار شده است.

امیدوارم این نوشته، گامی مؤثر در ایضاح، تبیین و تولید علوم انسانی
اسلامی باشد و مورد استفاده پژوهشگران این عرصه قرار گیرد.

محمد قمی

اردیبهشت ۱۳۹۷

مقدمه مؤلف

همان گونه که استقلال و تمامیت ارضی درگرواستقلال سیاسی، نظامی و امور دیگر است، استقلال علمی نیز درگروعدم وابستگی علمی و تولید نظریه های علمی بومی و دینی است. بنابراین دراین راستا هرگونه کوتاهی و اهمال، مذموم و برخلاف فرمان صریح قرآن کریم است؛^۱ علومی انسانی که با پیش فرض های متضاد با توحید و خداپاوری باشد، می تواند از مصداق های سلطه کافران محسوب شود. بنابراین لازم است مسلمانان تدبیرهایی به کار گیرند تا زمینه این سلطه را از بین ببرند. یکی از راهکارهای ایجاد مانع بر سر راه سلطه علمی کافران و غیرمسلمانان برمسلمانان، تولید علم دینی است.

توجه به علم دینی، همواره دغدغه عالمان دینی، نخبگان تحول گرا و مصلحان اجتماعی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امام خمینی (ره) در بیست و سوم خردادماه سال ۱۳۵۹ فرمانی رسمی مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی برای اسلامی سازی علوم در دانشگاه ها صادر

۱. آن جا که می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَبْلِ يُحِيطُوا بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُغْلَبُونَ» (انفال، آیه ۶۰).

کردند. رهبر معظم انقلاب - دام ظلّه - نیز در قالب‌های متفاوت، از جمله نهضت نرم‌افزاری، جنبش نرم‌افزاری و کرسی‌های نقد و نوآوری و نظریه‌پردازی، همواره بر ضرورت و اهمیت این کار تأکید کرده‌اند. امروزه تحول علوم انسانی از یک مسئله و راهبرد به ضرورت جامعه و نظام تبدیل شده است.

تحول و تولید علوم انسانی اسلامی با کمک الگوی فلسفی، مکتبی، روش‌شناختی و آموزه‌های اسلامی، به صورت ناگهانی رخ نمی‌دهد، بلکه باید فرایند - بود را به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت طی کند. این امرنگاهی تحلیلی می‌پذیرد که ابتدا نظریه‌های علوم انسانی غربی به نحو اعتدالی و مطلق نقد شوند و سپس هویت و فرهنگ بومی و اسلامی تقویت شود تا زمینه تولید علوم انسانی اسلامی فراهم گردد. این امر با برگزاری نشست‌های تخصصی دانشگاهی و حوزوی و همایش‌های ملی آغاز می‌شود و با تدوین و نشر مقاله‌ها و کتاب‌های علمی و نیز کرسی‌های نقد و مناظره در مراحل مختلف فرایند راهبردی، یعنی از نقد متون درسی تا نقد نظریه‌ها و مبانی بر اساس شاخص مد نظر در نقد ادامه می‌یابد تا به تولید نظریه برسد. نظریه بدون قرارگرفتن در معرض داوری عالمان دیگر شکل نمی‌گیرد. بنابراین در این مرحله نیز برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی و نوآوری و نشر نظریه‌ها در مجله‌های علمی - پژوهشی باید ادامه پیدا کند تا با بهره‌گیری از فلسفه اسلامی و اصول فقه و روش‌های تفسیر، الگو و روش‌شناسی اسلامی به دست آید. با آموزش و انتقال آن‌ها به استادان و نیز دانشجویان علوم انسانی، پارادایم‌ها و روش‌شناسی غربی به تدریج جای خود را به مبانی، الگو و روش‌شناسی اسلامی خواهند داد. به این ترتیب، تولید علوم انسانی اسلامی با کمک الگوی فلسفی، مکتبی، روش‌شناختی و آموزه‌های اسلامی وارد مسیر

اصلی خود خواهد شد و آن‌گاه باید به ترویج آن پرداخت و زمینه را برای تمدن‌سازی مهیا کرد؛ نقش کرسی‌های آزاداندیشی و نقادی نظریه‌ها در تحول علوم انسانی و ترویج آن، امری آشکار و اجتناب‌ناپذیر است.

مسلمانان از صدر اسلام تاکنون در مواجهه با علوم بیگانه و غیربومی، سه رویکرد داشته‌اند: ۱. رویکرد پذیرش‌گزینشی، انتقادی، تولیدی؛ ۲. رویکرد پذیرش‌التقاطی؛ ۳. تولید علم دینی. رویکرد نخست را مسلمانان بیشتر در قرن سوم هجری و در مواجهه با اندیشه‌های یونان و مصر باستان و حتی هند و ایران باستان به کار گرفتند. آغاز رویکرد دوم، بیشتر به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد؛ یعنی دوره‌ای که مسلمانان با غرب مدرن آشنا شدند. رویکرد پذیرش‌التقاطی با سید احمدخان هندی آغاز شد و از شبه قاره به جهان عرب و به‌ویژه مصر سرایت کرد و از آن‌جا نیز وارد ایران شد. شخصیت‌هایی که دارای این دیدگاه بودند، به عنوان «روشن‌فکر» معرفی شدند. سومین رویکرد، یعنی تولید علم دینی، ایده جدیدی است که حدود هشتاد سال از عمر آن می‌گذرد. این رویکرد مورد توجه شخصیت‌های فراوانی از جمله اسماعیل فاروقی، سید محمد نقیب العطاس، شهید علامه سید محمد باقر صدر، دکتر سید حسین نصر، دکتر محمدی‌گشنی، آیه الله مصباح‌یزدی و آیه الله جوادی آملی قرار گرفته است.

مقوله علم دینی را حدود هفتاد سال پیش دکتر اسماعیل فاروقی و دکتر سید محمد نقیب العطاس در آمریکا و مالزی ترویج دادند و در همان راستا، همایش‌هایی در مکه و جده با حضور جمعی از استادان جهان اسلام برگزار گردید. البته مباحثی مانند تطبیق علم بر آیات قرآن توسط سید احمدخان هندی در دانشگاه علی‌گرد و نیز طرح دانشگاه اسلامی توسط ابوالاعلی مودودی، پیش از مبحث علم دینی آغاز گردید و زمینه‌ساز مبحث علم دینی

شد. ضیاء الدین سردار در پاکستان و انگلستان و دکتر سید حسین نصر در آمریکا و دکتر مهدی گلشنی در ایران این راه را با عنوان علم قدسی و علم مبتنی بر متافیزیک الهی ادامه دادند.

پیروزی شکوه‌مند انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ای را فراهم آورد تا مراکز مختلفی به علم دینی بپردازند. مرکز پژوهشی علم و دین در دانشگاه شهید بهشتی و خبرگزاری «ایکنا» به تحقیقاتی در زمینه علوم طبیعی اسلامی و قرآنی پرداختند. با الگوگیری از فعالیت‌های علمی جهان عرب، به‌ویژه مصر، نظریه‌های قرآنی علوم طبیعی تدوین و منتشر شد. عده‌ای از محققان علوم قرآنی و شبه‌قرآنی با واسطه و بی‌واسطه آیه‌الله معرفت که اینک در جامعة المصر طفلاً العالمیة فعالیت می‌کنند، به صورت موجب جزئیة، معتقد به استخراج نظریه‌های علوم طبیعی از قرآن هستند.

مهم‌ترین آسیب‌های این تحقیقات، ناآگاهی این جماعت از روش تفسیر صحیح و ناپرهیزی از تفسیر به رأی و گرفتاری در تحمیل آرای علوم طبیعی بر آیات قرآن و هم‌چنین خلط کردن بین نظریه‌ها و فرضیه‌های علوم طبیعی و گزاره‌های طبیعت‌شناختی در قرآن است. خاستگاه این آسیب آن جا بود که جمعی از محققان علاقه‌مند به قرآن بر این باور بودند که اگر نظریه‌های علوم طبیعی در قرآن نباشد، قرآن کریم ناقص خواهد بود و کمال آن دچار خدشه خواهد شد. این گروه به این امر توجه نداشتند که خدشه‌ناپذیری کمال قرآن، مربوط به هدایت انسان‌هاست و نباید کمال قرآن را به گونه‌ای تفسیر کرد که عقل و تجربه به تعطیلی گراید.

نهایت بهره‌ای که از قرآن و روایات می‌توان در حوزه علوم طبیعی برد این است که برخی گزاره‌های طبیعت‌شناختی قرآن و روایات می‌توانند زمینه‌ساز فرضیه‌سازی برای علوم طبیعی شوند و این‌گونه نیست که قرآن و روایات،

نظریه یا فرضیه‌ای را در این حوزه در اختیار محققان قرار دهند. این بهره‌برداری از متون دینی، زمینه را برای پژوهش‌های آزمایشگاهی بعدی در راستای تأیید یا ابطال آن فرضیه فراهم می‌کند و در صورتی که آن فرضیه ابطال شود، هیچ‌گونه آسیبی به گزاره‌های طبیعت‌شناختی قرآن وارد نخواهد شد.

هم‌اکنون با سه جریان تأثیرگذار در جامعه خودمان مواجهیم:

۱. جریان سنتی که عالم به زمان نیستند و نیازها را نمی‌دانند و طبعاً به دنبال نظریه‌پردازی هم نیستند و با همان سبک و سیاق گذشته مشی می‌کنند.

۲. جریان جدیددایی که منتظر نظریه‌های فرهنگی - اجتماعی مدرن هستند تا از آن‌ها استفاده کنند و در ساختار مدیریتی به کار گیرند؛

۳. جریان عقلانیت اسلامی که نظریه‌پردازی و تولید علم را وظیفهٔ عالمان می‌داند. این جریان برخلاف جریان تسلسلدگایی، انفعالی نیست، بلکه فعالانه عمل می‌کند و رویکردی است که به نظر ما باید تقویت شود تا جامعه از آسیب‌های اجتماعی در امان بماند.

نظریه‌هایی که در باب علم دینی ارائه شده است و مسائل‌ها را در کتاب «در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی» ذکر کرده‌ایم، همه سنتی بر مبنای منابع اسلامی است؛ یعنی نظریه‌پردازان سعی کرده‌اند از منابع و مبانی اسلامی استفاده کنند، اما نحوهٔ استفادهٔ آن‌ها متفاوت است؛ مثلاً آنچه برای اسماعیل فاروقی بسیار کلیدی است، هستی‌شناسی اسلامی است و نکتهٔ کلیدی برای محمد نقیب العطاس، انسان‌شناسی اسلامی می‌باشد. دغدغهٔ اساسی آیه‌الله جوادی آملی نیز این است که منبع عقل و وحی در عرض یکدیگر کارایی داشته باشند. دکتر گلشنی نیز مبانی متافیزیکی را به صورت عام ذکر می‌کند و می‌توان گفت در مبانی متافیزیکی، دغدغهٔ علوم توحیدی

دارد، اما مبانی ریزه‌ستی شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، دغدغه اصلی ایشان نیست. بیشتر دیدگاه‌های موجود به کلیدی‌ترین عنصر اسلامی‌سازی، یعنی روش‌شناسی نپرداخته‌اند.

نظریه ما با عنوان «الگوی حکمی-اجتهادی علوم اجتماعی» ادامه نظریه‌های پیشین است؛ یعنی به مبانی و منابع توجه دارد، اما افزودن چند نکته درباره آن ضروری است: اولاً: این الگو علاوه بر توجه کردن به مبانی و منابع، دربردارنده روش‌شناسی اسلامی است که تأثیر بسزایی بر اسلامی‌سازی علوم اجتماعی دارد. این نظریه، راهی را نشان می‌دهد که به اسلامی‌شدن علوم می‌انجامد؛ ثانیاً: این الگو فقط مفید علوم اجتماعی است که البته منظور ما از علوم اجتماعی «محدود به جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت نمی‌شود، بلکه روان‌شناسی را نیز در بر می‌گیرد، زیرا رفتارها و علوم رفتاری نیز بی‌ارتباط با نهادهای اجتماعی نیستند. هم‌چنین باید دانست منظور ما از «علوم اجتماعی» متفاوت با «علوم انسانی» است و رشته‌هایی چون فلسفه، ادبیات و هنر را شامل نمی‌شود. علوم انسانی در آمریکا در عرض علوم اجتماعی و در آلمان، اعم از علوم اجتماعی است. به نظر ما میان علوم انسانی و علوم اجتماعی باید تفاوت قائل شد. الگوی مد نظر ما فقط مخصوص علوم اجتماعی است؛ یعنی این الگو در اسلامی‌سازی فلسفه یا علوم طبیعی و مهندسی کاربرد ندارد؛ ثالثاً: ارائه الگو واحد برای اسلامی‌سازی همه علوم، امکان‌پذیر نیست، اما ارائه تعریف واحد برای علم دینی امکان‌پذیر است. علم دینی از منظر ما علمی است که مبتنی بر مبانی، روش‌شناسی، جهت‌گیری و کارکردهای اسلامی باشد و همه این چهار مؤلفه در اسلامی‌سازی علوم نقش دارند. این تعریف را می‌توان برای اسلامی‌سازی همه علوم به کار برد، اما نمی‌توان الگوی واحدی برای اسلامی‌سازی همه علوم

ارائه داد. البته ارائه الگویی واحد که متضمن روش شناسی واحد است، منافاتی با این ندارد که هر بخشی از علوم اجتماعی، الگوها و روش شناسی جزئی تری داشته باشد. بنابراین، بنده به عنوان طلبه فلسفه علوم اجتماعی، الگویی کلان برای علوم اجتماعی ارائه می‌دهم، اما از این الگوی کلان، مثلاً در حوزه اقتصاد می‌توان الگوی جزئی تری به دست آورد که کاربردی در علوم تربیتی نداشته باشد یا مثلاً در علوم تربیتی، الگوی جزئی تری از این الگوی کلان بساده کرد که قابل استفاده در علوم سیاسی نباشد.

در این جا به سیری اشاره می‌کنم که به لحاظ معرفتی طی شد و به شکل‌گیری الگوی حکمی. اجتهادی انجامید. بنده در ابتدا متوجه این نکته شدم که باید تحریف معرفتی و دودانش روشن شود که یکی از آن‌ها دین‌شناسی یا مباحث کلامی، عرفانی و دیگری هستی‌شناسی یا مباحث فلسفی بود. از این رو حدود یک دهه از عمر خود را صرف دین‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی کردم که نتیجه آن پژوهش‌هایی مانند «کلام جدید»، «انتظارات بشر از دین»، «مسائل جدید کلامی» و «فلسفه دین» و در نهایت، «کلام نوین اسلامی» بوده است. در واقع از گذر تألیف این آثار، یک دوره دین‌شناسی به معنای اجتهادی صورت گرفت. در حوزه فلسفه نیز این ضرورت خودنمایی کرد که باید نگاهی درجه دوم به فلسفه اسلامی داشته باشیم و به همین دلیل، کتاب «فلسفه فلسفه اسلامی» را نوشتم. این بخش از فعالیت ما نیز حدود هفت سال طول کشید. با نگاه درجه دوم به فلسفه اسلامی آشکار شد تعریف رایج از فلسفه اسلامی، یعنی «بحث از عوارض وجود بما هو وجود پیش از آن که آن وجود، ریاضی یا طبیعی شود» مبتنی بر طبقه‌بندی علوم است و آن طبقه‌بندی علوم، امروزه تغییر پیدا کرده است. بنابراین بر اساس تغییری که در طبقه‌بندی علوم صورت گرفته است و نیز

طبق روش منطقی، لازم بود تعریف جدیدی از فلسفه ارائه دهیم که درنهایت به حکمت نوین اسلامی یا حکمت خودی دست یافتیم که از عوارض وجود انضمامی انسان بحث می‌کند و اعم از عوارض انضمامی و انتزاعی است. براساس این تعریف، موفق شدیم فلسفه را از فلسفه‌های هستی، نفس، معرفت و خدا به سایر فلسفه‌های امور توسعه دهیم؛ یعنی درمورد سایر امور مانند فلسفه‌های اجتماع، زیبایی، فهم و مانند آن‌ها نیز در این فلسفه بحث می‌شود.

این دو فعالیت پژوهشی، یعنی دین‌شناسی و هستی‌شناسی به ماکمک کردیم و با هم وارد فلسفه علوم اجتماعی شویم و با نگاهی درجه دوم، علوم اجتماعی را بررسی کنیم و بفهمیم علوم اجتماعی مدرن از سه ساحت توصیف انسان مطلوب و انسان محقق و تغییر انسان محقق به انسان مطلوب بحث می‌کند و برای توصیف انسان مطلوب از ایدئولوژی‌های اجتماعی نیز استفاده می‌برد. با بهره‌گیری از این امور، سه کتاب «فلسفه علوم انسانی»، «روش‌شناسی علوم اجتماعی» و «در جست‌وجوی علوم انسانی - اسلامی» نگاشته شد.

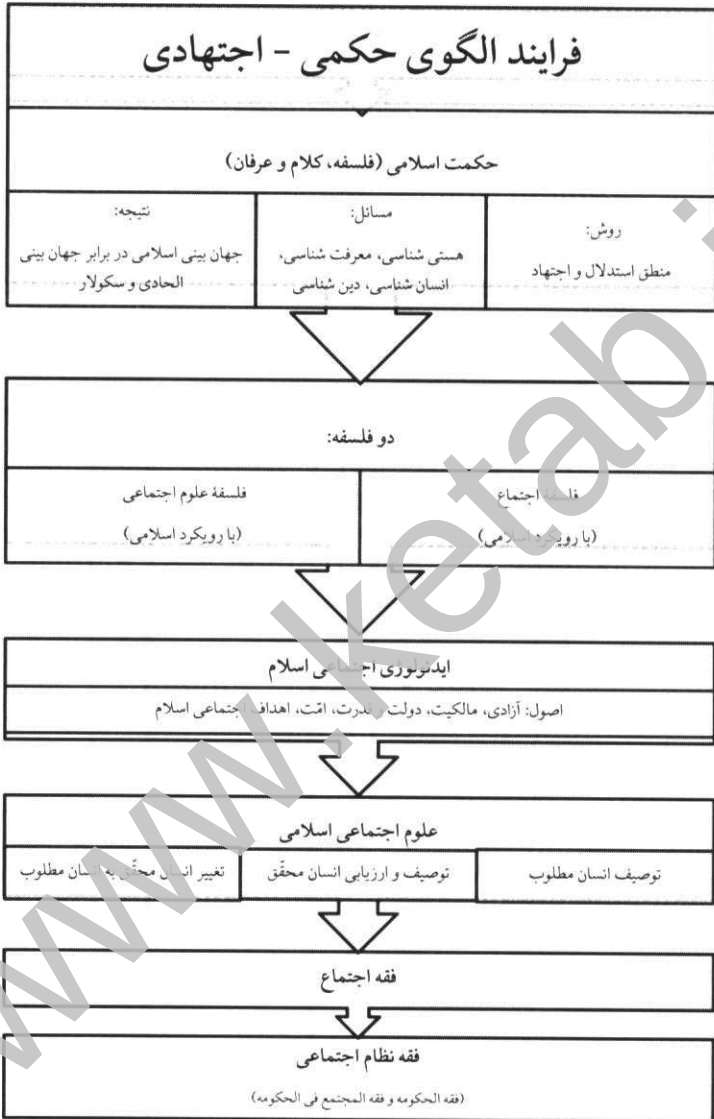
سپس این نتیجه به دست آمد که علاوه بر تشریحی که از علم دینی ارائه کرده‌ام، باید الگویی از علم دینی نیز ارائه دهیم؛ یعنی این امر کافی نیست که علم دینی را علمی بدانیم که از مبانی، روش‌شناسی و کاربردهای اسلامی استفاده می‌کند، بلکه بعد از تعریف باید به الگوی مناسبی دست یابیم. بنابراین به تدوین چنین الگویی همت گماردیم و الگوی حکمی - اجتماعی در حوزه علوم اجتماعی اسلامی حاصل شد. این الگو مبتنی بر مبانی، اصول، روش و ساختار است و این امور چهارگانه نیز مبتنی بر فرآیندی هستند. در واقع توانستیم فرآیندی را کشف کنیم که از حکمت اسلامی آغاز

می‌شود و تافقه نظام اجتماعی اسلام ادامه می‌یابد و این فرآیند به ما نشان داد در تدوین الگوی حکمی - اجتهادی باید به مبانی، اصول، روش و ساختار اجتماعی اسلامی بپردازیم.

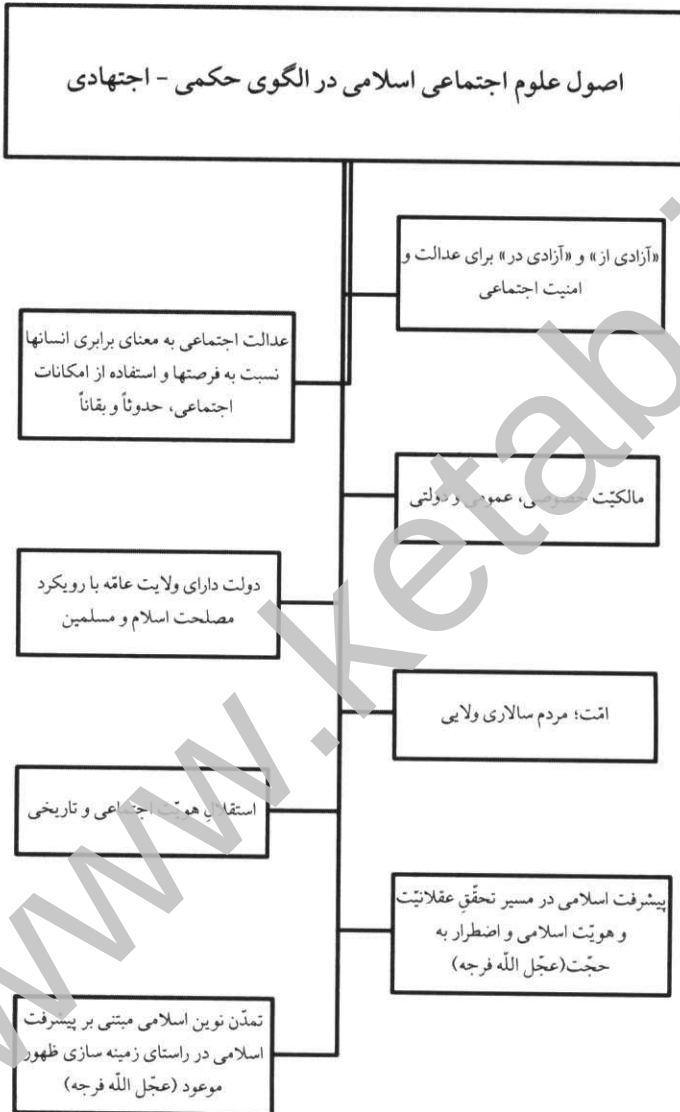
پژوهش‌های فوق که به صورت گذرا به آن‌ها اشاره شد، پژوهش‌هایی سنگین و پیچیده و نیازمند تأمل و صرف وقت بسیار بوده‌اند. گفتنی است در کنار آن پژوهش‌ها، تحقیق‌هایی را نیز در حوزه جریان‌شناسی انجام دادیم که در کشف الگوی حکمی - اجتهادی بسیار مفید بود، زیرا از آن طریق با دیدگاه‌های مختلف، شبه‌وران و روشن‌فکران در حوزه دین و فلسفه و علوم انسانی و اجتماعی آشنا شدیم. انتشار کتاب‌های «جریان‌شناسی فکری ایران معاصر»، «جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها»، «آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر»، «منظومه فکری امام خمینی» و «منظومه فکری آیه الله العظمی خامنه‌ای» نتیجه همان پژوهش‌هاست. هم‌چنین سال‌هاست که کار نگارش کتابی با عنوان «سکولاریسم نقاب‌دار» به پایان رسیده، اما به دلایلی انتشار آن تاکنون صورت پذیرفته است. در این جا تعریف‌ها و فرآیند الگوی حکمی - اجتهادی و نیز مبانی، اصول، ساختار و روش علوم اجتماعی اسلامی در الگوی حکمی - اجتهادی را در قالب پنج مورد ارائه می‌دهم:

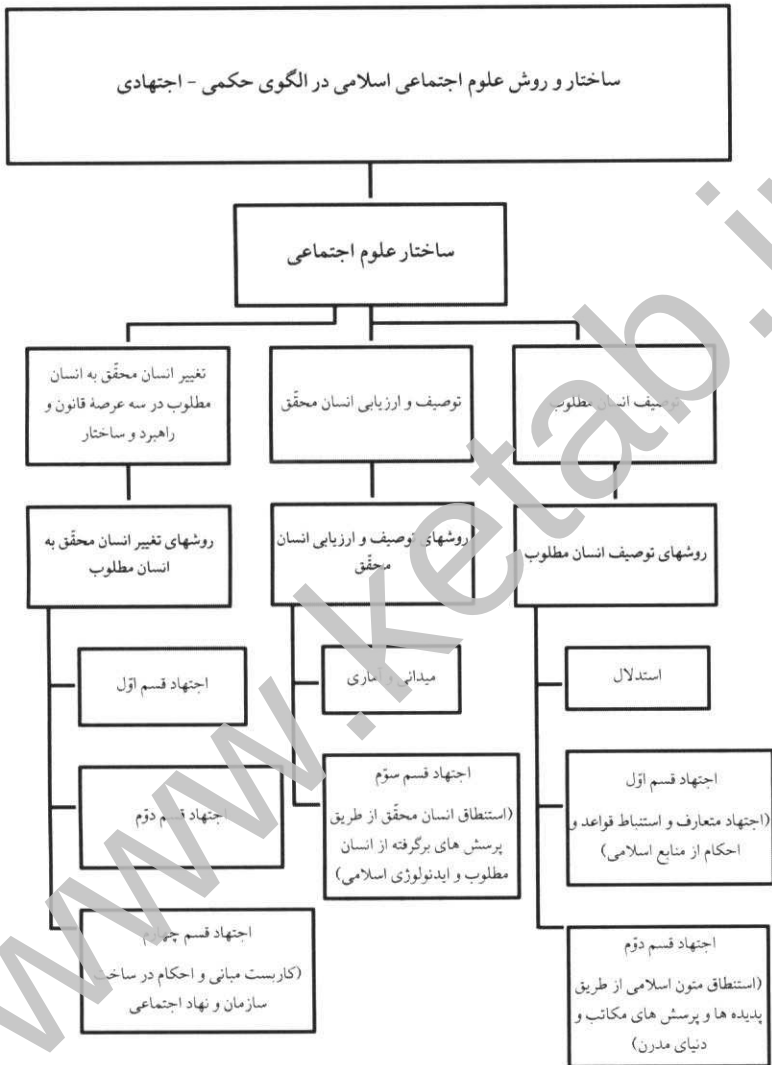
تعاریف اصطلاحات الگوی حکمی - جهادی











مطلب دیگری که ذکر آن را در این مقدمه، مفید می‌دانم، ارائه گزارشی مختصر دربارهٔ فرآیند علم دینی در کشور خودمان است. انقلاب اسلامی ایران باعث شد به تحول علوم انسانی در کشور توجه شود و مراحل روبه‌رشدی را طی کند که به صورت عمده می‌توان به تحقق پنج مرحله اشاره کرد:

مرحله اول: ستاد انقلاب فرهنگی در آغاز تأسیس خود با تدبیری که به کار برد توانست پیوند حوزه و دانشگاه را به سمت آگاهی بخشی در مورد علوم انسانی سکولار و تلاش برای اسلامی سازی علوم انسانی سوق دهد. برگزاری جلسه‌های متعدد اساتادان حوزه و دانشگاه دربارهٔ رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم تربیتی که آیة‌الله مصباح‌یزدی مدیریت می‌کرد، دروازهٔ نویی از وحدت حوزه و دانشگاه را گشود، به گونه‌ای که حوزویان با مفاهیم و گزاره‌های مدرن و علوم انسانی و دانشگاهیان با مفاهیم و گزاره‌های دینی و فقهی و اخلاقی آشنا شدند. دکتر احمد احمدی و آیة‌الله مهدوی کنی در این زمینه نقش مهمی ایفا کردند.

مرحله دوم: راه‌اندازی دانشگاه امام صادق علیه السلام توسط آیة‌الله مهدوی کنی و تأسیس رشته‌های علوم انسانی در حوزهٔ علمیه قم در قالب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه توسط دکتر احمد احمدی و بنیاد «الاعلام» علیه السلام و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله توسط آیة‌الله مصباح‌یزدی از قدم‌های مهمی بود که زمینه را برای آموزش طلاب علاقه‌مند به علوم انسانی و اجتماعی فراهم کرد. نگرش محققان به اسلامی سازی علوم انسانی اجتماعی در این مرحله، تهذیبی بود و به همین جهت، فعالیت‌های تهذیبی برای اصلاح نظریه‌های سکولار انجام داده شد.

مرحله سوم: توجه کردن محققان حوزوی و دانشگاهی به بنیادهای فلسفی و الهیاتی علوم انسانی مدرن و کاربردی سازی فلسفهٔ اسلامی در جهت حل

مسائل فلسفی در علوم انسانی و توسعه و کاربرد معرفت‌شناسی و انسانی‌شناسی در مسائل علوم انسانی و اجتماعی. این نگرش تحقیقاتی را آیه‌الله سیدمنیرالدین حسینی هاشمی در فرهنگستان آکادمی علوم اسلامی، آیه‌الله مصباح‌یزدی در مؤسسه امام خمینی، آیه‌الله جوادی آملی در بنیاد اسراء، آیه‌الله رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و حجة الاسلام والمسلمین پارسانیا در دانشگاه باقرالعلوم (ع) دنبال کردند و نظریه‌هایی اسلامی در زمینه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، اقتصاد، حقوق و غیره تولید کردند.

تحقیقاتی که دکتر خسرو باقری درباره علم دینی و تربیت اسلامی نیز در همین راستا انجام می‌دهد؛ البته با این تفاوت که آیه‌الله حسینی هاشمی علاوه بر تأکید بر بنیادهای فلسفی و تأسیس فلسفه «شدن»، معتقد به سریان مبانی در همه لایه‌های معرفتی و کاربردی و واقعیت‌های عینی بودند و از این رو اسلامی‌سازی را در پنج سطح مبانی، علوم، سیاست‌ها، رفتارها و نهادسازی‌ها می‌دانستند، اما دکتر خسرو باقری بعد از انتشار دیدگاه تأسیسی خود به تبعیت از دکتر گلشنی بر این نکته باور داشت که تغییر در مبانی و بنیادهای نظری، فقط باعث تحول نظریه‌های کارزن علوم می‌شوند و تغییر اساسی در ساحت‌های دیگر علوم ایجاد نمی‌کنند. دیدگاه مسیحی آیه‌الله مصباح‌یزدی در سه ساحت تحول در مبانی و بنیادهای نظری، تهذیب علوم انسانی غربی و تولید نظریه‌های نوین با روش اجتهادی متعارف حوزه‌ها مطرح بود که در دو ساحت اول توانست موفقیت‌هایی کسب کند.

مرحله چهارم: اهمیت یافتن فلسفه علوم انسانی اسلامی در جامعه علمی حوزویان و دانشگاهیان، به ویژه روش‌شناسی علوم انسانی که به تأسیس گروه مستقل در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه

ایران انجامید. الگوی حکمی. اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی و روش حکمی. اجتهادی ما در این مرحله می‌گنجد. الگوی حکمی. اجتهادی با استفاده از روش حکمی و چهار قسم روش اجتهادی، در صدد تولید علوم اجتماعی اسلامی در سه ساحت است: ۱. توصیف انسان مطلوب؛ ۲. توصیف و ارزیابی انسان محقق؛ ۳. تغییر انسان محقق به انسان مطلوب. این روش در چند رساله دکتر مانند «انسان مطلوب سیاسی در نهج البلاغه»، «پرستاری حقیقیانه، سلامت معنوی در نوجوانان»، «الگوی راهبردی مدیریت اخلاقی، فقه‌های نوپدید در جمهوری اسلامی ایران» و ده‌ها مقاله علمی. پژوهشی به دارفته است.

نسل دوم فرهنگستان علوم اسلامی به تبعیت از آیه الله حسینی هاشمی و با مدیریت آیه الله میربافری توانست روش و منطق تولید علم را تدوین کند و در بحث‌هایی مانند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تمدن اسلامی، سبک زندگی اسلامی و موضوعات دیگر به کار رفت. تدوین و کاربرد روش برای اسلامی سازی علوم انسانی، از موفقیت‌های مهم در طرح علم دینی به شمار می‌آید.

مرحله پنجم: عملیاتی کردن و مدیریت کلان تحول علوم انسانی از اقدام‌های کاربردی است که وزارت علوم باید آن را از سال‌های پیش دنبال می‌کرد. مدیریت کلان تحول در راستای به روز رسانی، توسعه ساری، کاربردی سازی و اسلامی سازی علوم انسانی جریان دارد. این مرحله به صورت رشته محور و اصلاح سرفصل‌ها توسط استادان متخصص دانشگاهی و حوزوی انجام داده می‌شود. سرفصل‌های برخی از این رشته‌ها بیش از سی سال تغییر نیافته بود که با این فعالیت مهم در شورای عالی انقلاب فرهنگی و با مدیریت دکتر حداد عادل، تحول اساسی در رشته‌های علوم انسانی تحقق

می‌یابد. مهم‌ترین آسیبی که در این مرحله وجود دارد، ابهام در تئوری علم دینی و فرآیند اسلامی سازی علوم انسانی است که باید در کنار تحول مدیریتی رفع گردد.

اینک مسئله تحول علوم انسانی و پروسه اسلامی سازی علوم اجتماعی به مرحله‌ای رسیده است که توجه به سه نکته، اهمیت و ضرورت دارد:

۱. افزایش تولید تئوری‌های کاربردی علوم انسانی و اجتماعی اسلامی یا علم انسانی با رویکرد اسلامی؛

۲. اجرای عملیاتی این تئوری‌ها در کشور تا نتیجه بخشی عینی نظریه‌های اسلامی برای همگان آشکار شود؛

۳. اسلامی سازی علوم انسانی، جورچینی است که هریک از دانش‌های فلسفه، فقه، اخلاق، عرفان، علوم اجتماعی در بخشی از آن قرار دارند.

این سه نکته مهم بدن مدیریت کلان نظری ممکن نیست؛ مدیریتی که بتواند این طرح کلان تئوریک را در دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، دانشگاه عالی دفاع ملی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و دیگر مراکز علمی پیاده کند و سپس تئوری‌های علوم انسانی اسلامی تولید شده را در نهادهای اجرایی مانند ستاد اجرایی فرمان امام و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جاری نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

عبدالحسین خسروپناه

استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی